



بیانات مقام معظم رهبری در جمع خواهران ارومیه - 28 شهریور / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلوة والسلام علي سيدنا، ابي القاسم محمد و علي آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين، الهداة المهديين.

برای من، منظره بسیار جالب و زیبایی است که مشاهده می‌کنم بانوان این استان، اجتماعی را با این عظمت تشکیل داده‌اند. بحمدالله، شما قشرهای مختلف بانوان این استان، از شهرهای مختلف گرد آمده‌اید و این مجمع با شکوه را تشکیل داده‌اید. آنچه که امروز مناسب می‌دانم در این مجموعه بزرگ عرض کنم، دو، سه مطلب اساسی در خصوص مسائل زنان است:

مطلب اول این است که امروز معضل بزرگی در ارتباط با قشر زن، نه فقط در ایران ما، بلکه در سراسر جهان وجود دارد. آن معضل این است که نسبت به حقوق و شخصیت بانوان، در بعضی از بخشهای زندگی، کوتاهی یا تعرض انجام می‌گیرد. یعنی به زنان ظلم می‌شود.

بعضی تصور می‌کنند این ویژگی، مخصوص کشورهای شرقی یا اسلامی است. این تصور، اشتباه است. ظلم به زنان، در کشورهای غربی - با همه ادعاهایی که نسبت به زنان دارند - اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست. آمارهایی مبنی بر آزار زنان در خانواده از طرف مردان - چه شوهر، چه پدر و چه برادر - وجود دارد که من این آمارهای تکان دهنده را دیده‌ام. واقعاً انسان را دچار تعجب می‌کند!

پس، معضلی که به آن اشاره شد، در همه جای دنیا وجود دارد. این معضل، باید حل شود. البته در کشور ما، به هنگام مقدمات پیروزی انقلاب که زنان در میدانهای عظیم مبارزه سیاسی حضور پیدا کردند و نقش خودشان را به اثبات رساندند، وضع تا حدود زیادی عوض شد.

من این جا در جمع شما بانوان عزیز و خواهران و فرزندان خودم، عرض می‌کنم که نقش اجتماعات زنان در پیروزی انقلاب، به احتمال زیاد از اجتماعات مخصوص مردان بیشتر بود. یعنی حضور زنان در مبارزات عمومی و سیاسی، یک نقش چند گانه داشت. مرد یک نفر بود و خودش می‌آمد در مبارزات یا در اجتماعات و راهپیماییها شرکت می‌کرد. همین و بس! اما وقتی زن خانه، خود را در مبارزه سهیم می‌دانست و وارد میدان می‌شد، در واقع خانه‌ای را که در آن، مرد و زن و فرزندان هستند، به صحنه می‌آورد و خانواده‌ای را در میدان مبارزه حاضر می‌کرد. در جنگ نیز همین طور بود. یعنی اگر خانواده‌های شهدا - مادران و همسران - صبر نمی‌کردند، جنگ دچار مشکلات بسیار بزرگی می‌شد. در آن مقطع، نقش زنان، بسیار برجسته بود. انقلاب و جنگ، زنان ما را در جامعه از آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد. زن، وقتی با سواد باشد و از آگاهی سیاسی برخوردار شود، کسی نمی‌تواند به آسانی به او زور بگوید و حقش را پایمال کند. اینها غنیمتهایی بود که در انقلاب برای زنان پیش آمد. این، نکته اول.

خواهش می‌کنم دختران جوان و تحصیلکرده و بانوان آگاه و هوشمند به نکته‌ای که می‌خواهم بگویم، درست توجه کنند: زن را از سه دیدگاه می‌شود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی نسبت به او آشکار شود. یکی نقش زن به عنوان انسانی در راه تکامل معنوی و نفسانی است که در این دیدگاه، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند. در قرآن، وقتی خدای متعال می‌خواهد برای مؤمنین مثال بزند، از زن مثال می‌زند: «و ضرب الله مثلاً لذین آمنوا امرأت فرعون.» زن به عنوان عنصر مؤمن برجسته‌ای که نظیر او در میان انسانهای آن روز هم نبود یا کمیاب بود، حضور دارد. این، از دیدگاه اول.

دیدگاه دوم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش



علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیتها شرکت کنند. آنها هر چه می‌توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرع مقدّس، مانع نیست. البته چون از لحاظ جسمانی زن ظریفتر از مرد است، لذا ضرورت‌هایی دارد. تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی‌کند؛ چنان که منع هم نمی‌کند. البته از امام علی بن ابی طالب علیه الصلّاة و السّلام نقل است که فرمود: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه». یعنی زن گل است، قهرمانه نیست. «قهرمان» یعنی پیشکار و خدمتگزار آبرومند. خطاب به مردان می‌گوید که زنان در خانه‌های شما مثل گلی لطیفند که باید نسبت به آنها با کمال ظرافت و دقت رفتار کرد. زن، پیشکار شما و خدمتگزار شما نیست که خیال می‌کنید کارهای سنگین را باید به او محوّل کرد. این، مسأله مهمی است.

در گزارشی که اخیراً به من دادند، آمده است که در بعضی از مناطق آذربایجان غربی، هفتاد درصد کارهای روزمره را زنان و سی درصد بقیه را مردان انجام می‌دهند! این ظلم است. این به خلاف نظر اسلام است. این که بعضی مردان وقتی می‌خواهند ازدواج کنند، شرط قائل می‌شوند که زن باید حتماً کار کند و شغل و درآمدی داشته باشد، خطاست. گرچه خلاف شرع نیست، اما اسلام به چنین کاری هم توصیه نمی‌کند. این که ما بگوییم «زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم»، به استناد نظر اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است. اما از آن طرف، این را هم که زن را مجبور به انجام کارهای سنگین و تلاشهای دشوار اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کنند، اسلام توصیه نکرده است. نظر اسلام، یک نظر میانه است. یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه داری مانع او نگردد، شوق و علاقه و نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی شود، مانعی ندارد. اما این که او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه‌های خانوار، سهمی به عهده بگیری، نه. این را هم اسلام از زن نخواست است. این را هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می‌آورد.

پس، به طور خلاصه، در دیدگاه دوم، نظر اسلام این است که در میدان فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نباید بر زن تحمیل و اجبار کرد؛ چنان که به سد کردن راه او هم نباید پرداخت. اگر خانمها می‌خواهند وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیتها ترجیح دارد. من به خانواده‌ها توصیه می‌کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبادا پدر و مادری، از روی تعصب دینی، خیال کنند که باید جلو دختر را بگیرند تا تحصیلات عالی نکنند؛ نه؛ دین چنین چیزی نگفته است. دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمی‌گذارد. اگر پسر شما تحصیلات عالی می‌کند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالی بپردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی پایه و اساس و پوچ است. در سایه سواد، می‌شود اینها را فهمید.

امروز متدین‌ترین، انقلابی‌ترین، پاکترین و با ایمانترین دختران و زنان جوان ما، در میان قشرهای تحصیلکرده هستند. کسانی که اهل تجمل و چسبیدن به زر و زیورآلات هستند و یا کورکورانه و چشم بسته می‌خواهند از الگوهای غربی در لباس و پوشاک و وضع زندگی تقلید کنند، غالباً از سواد و معلومات و معرفت کافی بهره ندارند. کسی که معلومات داشته باشد، می‌تواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هر چه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد. بنابراین، در میدان علمی، همه راه‌های فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند. توصیه من به پدران و مادران این است که بگذارند دختر بچه‌هایشان به مدرسه بروند و سواد



بیاموزند. اگر آنها استعداد دارند و مایلند پس از طی مراحل ابتدایی به تحصیلات عالی و دانشگاهی بپردازند، ممانعت نکنید. بگذارید در جامعه اسلامی ما آنها جزو انسانهایی با سواد و دارای معلومات شوند. این هم از دیدگاه دوم. دیدگاه سوم، نگاه به زن، به عنوان یک عضو در خانواده است که این از همه مهمتر به نظر می‌رسد. عزیزان من! در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه خودشان است. آنها اگر از خلقیات ویژه خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند. اگر مرد زیاد روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اگر زن هم زیاد روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه یک در، دو چشم در چهره انسان، دو سنگ‌نشین در جبهه نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هر کدام از این دو، طبیعت، خصوصیات و خصلتهایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌ای ماندگار و مهربان و با برکت و پرفایده خواهند داشت. امروز در دنیای غرب، خانواده، بنیان بسیار سستی دارد. خانواده‌ها - بخصوص زنان - از جدایی و تلاشی رنج می‌برند. اگر خانواده‌ای، خدای ناکرده، متلاشی شود، هم مرد و هم زن، هر دو، سرگردان و آواره و ناراحت می‌شوند و رنج می‌بینند. اما در این میان، زن بیشتر رنج می‌بیند. امروز در دنیای غرب، زنان دچار این رنجند؛ چون خانواده‌ها به آسانی به هم می‌خورند، متلاشی می‌شوند و از بین می‌روند. گاهی خود زنان اقدام به فروپاشی کانون خانواده می‌کنند؛ اما خود آنها هم، چوبش را بیشتر می‌خورند.

نکته مهم این است که در محیط خانواده - همان طور که گفتم - این دو عنصر و دو موجود، ضمن برخورداری از خصوصیاتشان، با یکدیگر هماهنگی و همزیستی دارند. لکن زن از لحاظ جسمی، ظرافت بیشتری دارد و مرد، قویتر و گردن کلفت تر است. با این حال، اگر قانون از زن دفاع نکند، ممکن است مرد، نسبت به او تعرض کند. لذا، قانون، در حمایت از بانوانی که خانواده تشکیل داده اند و درون محیط خانوادگی خودشان هستند، وظایف بسیار سنگینی دارد. مطلبی که ما در کشورمان باید با جدیت دنبال کنیم، حمایت اخلاقی و قانونی از زن است؛ تا مرد در محیط خانواده نتواند زورگویی کند. گرچه پس از انقلاب، اصلاحات زیادی در قوانین ازدواج و حمایت از خانواده شده است، اما کافی به نظر نمی‌رسد. لذا، توصیه ما به همه دست اندرکاران - چه آنهایی که در مجلسند، چه آنهایی که در دستگاه دولتی هستند و چه آنهایی که بر منابر خطابه و وعظ هستند - و به خود زنان، این است که چنین مطلبی را مجدداً دنبال کنند. این همان نقطه اساسی است که اسلام مهمترین کار را در این بخش انجام داده است. این همان نکته‌ای است که در دنیای غرب، مغفول مانده و امروز زنان دچار مظلومیت شدیدی هستند. بعضی کسان که ظاهر بینند، به محیط اجتماعی در غرب می‌نگرند و می‌بینند زنان بدون هیچ پروایی، در جوامع ظاهر می‌شوند. لذا، خیال می‌کنند که آنها در داخل خانواده هم چنین بی‌پروایی را دارند. در حالی که این تصور اشتباه است و در محیط خانواده به زنان خیلی ظلم می‌شود.

اما اسلام، مانع از چنین ظلمی در حق زن است. امروز اگر ما در جامعه مان کمبودی در این زمینه داریم، باید مرتفع شود و حمایت قانونی از زن، با کمال قوت و شدت انجام گیرد. البته در محیط اجتماعی، خدمات و مشارکتهایی وجود دارد که زنان در آن فعالیت‌ترند. خوب است به مناسبت «روز پرستار»، به مسؤولیت پرستاری، که از سابق، زنان در این مسؤولیت بیشتر از مردان تلاش و فعالیت می‌کردند و کار بسیار مهمی هم هست که ارزش والایی دارد، اشاره کنم:



بانوان عزیز و خواهران گرامی! مسأله مهمّ این است که امروز اسلام با قوانین و معارف خود، کمر به حمایت از همه قشرهای جامعه ما - اعم از زن و مرد، روستایی و شهری، قشرهای مختلف و مخصوصاً قشرهایی که ضعیفند - بسته است. از یک دیدگاه دیگر، می توان چنین گفت که نظام اسلامی و احکام اسلامی، کمر به دفاع از مظلومین در همه دنیا بسته است. به خاطر همین دیدگاه است که امروز استکبار، علیه نظام جمهوری اسلامی توطئه می کند. اکنون کمتر ماهی می گذرد که استکبار با دستگاهها، کمپانیها، مغزهای مزدور و مؤسّسات طراحی اش - که دائماً مشغول طراحی توطئه علیه ملتها و دولتهای آزاد هستند - در صدد ضربه زدن و توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی نباشد. این توطئه ها، حتی بعضاً هر هفته و هر روز شکل می گیرد و به طور مستمر ادامه دارد. اما به فضل پروردگار و به خاطر همین اجتماعات، همین همدلیها، همین همبستگیها و همین آگاهیهایی که بحمدالله زن و مرد در کشور ما از آن برخوردارند، همه تلاش استکبار علیه جمهوری اسلامی، ضایع و باطل شده و در میدان مقابله با این ملت بزرگ، بارها و بارها بینی او به خاک مالیده شده است. مسلماً بیش از همه عوامل در این زمینه، آگاهی مردم و حضورشان در میدانهای مهمّ اجتماعی و سیاسی نقش داشته است و شما زنان، در این مورد، تأثیر زیادی داشته اید و باز هم دارید.

امروز، بحمدالله، در همه کشور، دانشگاه و حوزه علمیه وجود دارد و دختران جوان، در بخشهای مختلف این دو نهاد و مرکز علمی، آگاهی کسب می کنند و به علم آموزی می پردازند. تا وقتی این روحهای جوان، پرشور، دارای آگاهی، با اراده و با محبّت، در جامعه ما بحمدالله فراوان است، استکبار، امریکا و دشمنان ریز و درشت این ملت، هیچ غلطي نسبت به این کشور نمی توانند بکنند. توصیه من به خواهران و دختران عزیزم این است که معلومات و آگاهیهایتان را بیشتر کنید. مطالعه، دقت، تحقیق، درس، ورود به مسائل مورد ابتلای روز و اهتمام به کارهای دینی، جزو وظایف حتمی و مسلمی است که امروز زنان کشور باید مثل مردان، خود را موظف به انجام آنها بدانند. شما هستید که فرزندان صالح می پرورید و همسران خود را برای ورود به میدانهای مثبت، تشجیع می کنید. بسیاری از زنان، شوهران خودشان را بهشتی می کنند و آنها را از مشکلات دنیا و آخرت نجات می دهند. کار و تلاش زن و آگاهی و موضعگیری او، چنین ارزشی دارد.

از خدای متعال می خواهیم که همه شما را مشمول لطف و فضل خود قرار دهد. از همه شما خواهران گرامی تشکر می کنم که از راههای دور و نزدیک آمدید و این اجتماع بسیار با شکوه و پر عظمت را به وجود آوردید و نشان دادید که زن آذربایجانی، مصمّم و مؤمن و فعال و پرتلاش و با همّت است و از آگاهی لازم برخوردار است. همه شما را تحسین می کنیم؛ برایتان از خداوند متعال، لطف و فضل روزافزون او را مسألت می نمایم و به خدایتان می سپاریم.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.